

مأموریت: الفای اسلام‌هراسی

هالیوود به‌خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر معمولاً مسلمانان را در قامت تروریست به نمایش گذاشته است

ماجرای اراله تصویر تحریف‌آمیز از مسلمانان، ریشه در سال‌های دور دارد. ریدپای این نگاه ضداسلامی را می‌شود در تعدادی از فیلم‌های تاریخی هالیوود مشاهده کرد. مسلمانان با سیمای اعراب در برخی آثار کلاسیک هالیوود با خشونت و سببیت و در قامت دشمن به تصویر کشیده شده‌اند. اما آنچه بیشتر به‌عنوان اسلام‌هراسی در هالیوود به‌خاطر می‌آوریم از دهه ۸۰ به بعد آغاز می‌شود. آثار ضداسلامی و اسلام‌هراسانه در انواع و اقسام فیلم‌های سینمای غرب از سال ۲۰۰۱ به بعد، بیشتر در قالب همان دو جریان اصلی سینمای آخر الزماتی و سینمای جنگ و اشغال قرار گرفته و مطرح شدند. با حادثه ۱۱ سپتامبر، نگاه اسلام‌ستیز در هالیوود اوج می‌گیرد و در تداوم این دیدگاه، فیلم‌های زیادی ساخته می‌شود که در آنها صراحتاً تروریست‌ها مسلمان هستند. در واقع می‌توان گفت این بخشی از رویکرد هالیوود در ۲۰دهه اخیر بوده که در آن ارائه تصویری زشت از مسلمانان و تفسیری واژگونه از اسلام به‌عنوان دینی که مروج خشونت است، به‌عنوان هدفی استراتژیک دنبال شده‌است.

فیلم‌های ضداسلامی در سینمای حادثه‌پذیر

یکی از رایج‌ترین و متداول‌ترین رویکردهای سینمای غرب به ارائه تصویری ضداسلامی در قالب فیلم‌های اکشن رخ داده‌است. قاعده آشنا، فیلم‌هایی است که ماجراهایش در هواپیما رخ می‌دهد؛ هواپیمایی که برای عملیات تروریستی رپوده می‌شود تا قهرمانان آمریکایی وار دماجرا شوند. مروری بر نمونه‌ از ۳دوره مختلف نشان می‌دهد که با وجود گذر زمان و با تمام تفاوت‌های ظاهری، در این زیر گونه مناسب برای مضامین اسلام‌هراسانه در معمولا روی یک پاشنه می‌چرخد.



نیروی دلتا (۱۹۸۶)

نویسنده فیلمنامه و کارگردان: **مناهم گولان بازیگران: جاک نوربر، لی ماروین، مار کین باسالم، جویی بیشساب، کیم دلتی، رابرت فورستر، جورج کندی**
فیلمی حادثه‌محور که توسط کارگردانی اسرائیلی ساخته شد و در آن کوشیده‌شدن مسلمانان تصویری خشن ارائه شود. «نیروی دلتا» ماجرای ربایش یک هواپیما توسط گروه فلسطینی- لبنانی را روایت می‌کند. این گروه از خلبان می‌خواهد تا آنها را به بیروت ببرد. پنتاگون یک گروه زبیده عملیاتی از کامندوها به نام نیروی دلتا را وارد عمل می‌کند تا مانع موفقیت هواپیمار یابان شوند. در نهایت نیروی دلتا با پوشش گردشگر وارد می‌شوند، آنها را یباندگان را می‌کشند و گردوهای یهودی را آزاد می‌کنند؛ سپس قهرمانان به فلسطین اشغالی (اسرائیل) می‌روند. در فیلم، مسلمانان، گروه انگلیزان خشن و بی‌رحمی هستند که با مسافران رفتارهای غیرانسانی ی در پیش می‌گیرند. مسلمانان، بدمن‌های فیلم هستند و مأموران امنیتی در قامت تهران‌ها وارد ماجرا می‌شوند و مسافران را نجات می‌دهند. در نیروی دلتا، همه‌چیز به گل درشت‌ترین شکل ممکن بر گزارد شده است. میان فیلم‌های ضداسلامی در هالیوود دهه ۸۰ میلادی، نیروی دلتا یکی از فرمایشی‌ترین‌ها هست؛ پروپاگاندایی در خدمت رژیم صهیونیستی که البته جدای از مضمون ناموجاش به‌دلیل ضعف‌های فراوان در شخصیت‌پردازی و نگاه سیاه و سفید کارگردان، با واکنش‌های منفی مواجه شد.

پلان ۳

لندن سقوط کرده است (۲۰۱۶)

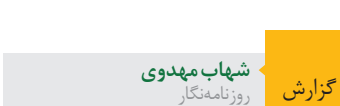
کارگردان: بابک نجفی بازیگران: جرارد باتلر، آورن اکهارت، آنجلا باست، مورگان فریمن، رادا میشل، نایجل ویتنی و ترنس بیسلی.

فیلمی حادثه‌محور که توسط کارگردانی ایرانی- سوئدی ساخته شده است. فیلم در قالب اثری اکشن تصویر مطلوب سینمای غرب از مسلمانان را ارائه می‌دهد. در این فیلم، یکی از تروریست‌های کهنه‌کار بانام «امیر برکاولی» اهل پاکستان است که پسری با نام «کارمان» دارد که در کنار افرادی مانند «رضا» به وی در عملیات تروریستی کمک می‌کنند.

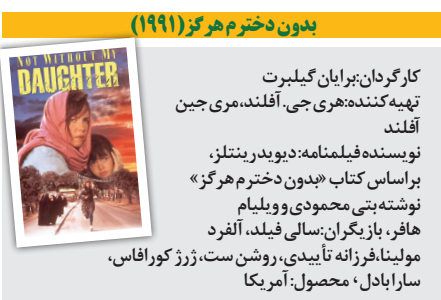
امیر برکاولی در مقابل حمله موشکی که غربی‌ها جهت قتل وی در مراسم عروسی دخترش صورت دادند و موجب کشته‌شدن بعضی اعضای خانواده‌اش شدند، علیه غرب دست به طرح‌ریزی مرمبارترین رویداد جهان می‌زند. او به همراه تیمش ابتدا در مراسم عروسی کشته شده و فیلمساز کوشیده با در پیش گرفتن ظاهری به شکل فانتزی، آن را تصویری متقاعدکننده بسازد. اتخاذ لحن تمسخرآمیز در مورد دشپوه زیست و سبک زندگی ایرانیان در دهه ۶۰است. گرانبه‌ها فیلم بر سرپولیس را می‌توان دست انداختن مفاهیمی چون شهادت، دفاع مقدس و حجاب دانست. اغلب فیلم‌های ضدایرانی به لحاظ سینمایی آثار ضعیفی هستند. در این میان بر سرپولیس سر و شکل منسجم‌تری دارد ولی در نهایت این فیلم نیز به واسطه مضمونش مورد توجه برخی محافل هنری جهان قرار گرفت. ایران به روایت ما بر جان ساتراپی در فیلم بر سرپولیس سرزمینی مصمیم‌زده با مردمانی است که غمگین و گرفتار با خشمگین و متعصب هستند. فیلمساز با بازی‌کنمایی می‌کوشد تا روایتی ششخصی‌اش از دهه ۶۰ را به‌عنوان واقعیتی مسلم جایبندارد.

تصویر مخدوش، دروغ‌پردازی‌های مشهود

فیلم‌های ضدایرانی چه رویکردی را دنبال می‌کنند و با چه اهدافی ساخته می‌شوند؟



تصویر مخدوش ایرانی‌ها در فیلم‌هایی که خارج از مرزها ساخته می‌شوند یا محصول نگاه هالیوودی‌هاست یا بر خاسته از رویکرد کارگردان‌هایی است که شناسنامه ایرانی دارند؛ کارگردان‌های مهاجری که معمولاً فیلم‌هایشان را برای جشنواره‌ها می‌سازند. فصل مشترک آثاری که به صفت مشترک ضدایرانی شناخته می‌شوند تحریف و دروغ‌پردازی است. داستان از زمانی آغاز می‌شود که انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد و حادثه مهم تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) رخ می‌دهد. حس حقارتی که آمریکا در ماجرای گرو انگلیسری



تعبیری که ماهنامه فیلم، زمان اکران «بدون دخترم هرگز» به‌کار برده به شکلی موجز و فشرده همه‌چیز را در باره این فیلم توضیح می‌دهد: «یک فحش ر یکب سیاسی». تصویری که بدون دخترم هرگز از ایرانیان ارائه می‌دهد آن قدر توهین‌آمیز بود که حتی صدای اپوزیسیون خارج‌نشین را هم در آورد. ایرانیان با هر مرام و مسلکی علیه فیلم موضع گرفتند. در واقع بدون دخترم هرگز نه علیه جمهوری اسلامی که علیه ایران ساخته شده و تصویری واژگونه و دروغ‌چیز از کشورمان ارائه می‌دهد. فیلمی که مدعی است براساس ماجرای واقعی ساخته شده و اقتباسی است از کتابی به همین نام که در اواخر دهه ۸۰ میلادی در آمریکا منتشر شد و اتفاقاً کتاب پر فروش‌ی هم از کار در آمد. در مجموعه‌ای از دروغ‌ها و تحریف‌ها فیلم راویترگر دشواری‌های زیستن بیتی محمودی در طول یک سال و نیم حضورش در ایران است. به روایت فیلم، ایرانی‌ها خشن و کثیف هستند و حتی بدبویی‌ترین اصول بهداشتی را هم رعایت نمی‌کنند؛ آن قدر که سوسک در سفره غذایشان مشاهده می‌شود. در فیلم بچه‌های خردسال را به جبهه می‌برند و به آنها کلیدها می‌دهند. پلاستیکی برای ورود به بهشت می‌دهند. مردم در خیابان کاری جز سردان شعار مرگ بر آمریکا ندارند. در نماز جمعه تهران امام‌جماعت به سوی قیله که به سمت نمازگزاران سجده می‌کند؛ دکتر محمودی همسرش بیتی را از پشت و لگد می‌گیرد و در شب‌های بمباران در اتاق زندانی‌اش می‌کند. کسی هم که در نهایت زن را فراری می‌دهد یک سارکی سابق است که در عین حال پدر شهید هم هست؛ بدون دخترم هرگز آن قدر ضعیف از کار در آمد که منتقدی آمریکایی خطاب به خوانندگان نوشت اگر می‌خواهد ۲ ساعت از عمر خود را تلف نکند به دیدن این فیلم بروید. منتقد نشریه لس آنجلس تایمز نیز آن را اشغال نامید. فیلم در گیشه شکست خورد و در حالی‌که به ۲۲ میلیون دلار هزینه ساخته شده بود تنها حدود ۱۴ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار فروخت.

بر سرپولیس (۲۰۰۷)

کارگردان:مرجان ساتراپی، ونسان پارونو
تهیه‌کننده: مارک آنتونی روبرت، کاتلین کندی
فیلمنامه نویس:مرجان ساتراپی، ونسان پارونو، براساس کمیک استرپ بر سرپولیس اثر مرجان ساتراپی بازیگران: کیارا ماستر و یانی، محصول: فرانسه



این احتمالاً شاخص‌ترین فیلمی است که با نگاهی انتقادی به تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران ساخته شده است. انیمیشنی که هم برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره کن شد و هم به فهرست نامزدهای اسکار راه یافت. بر سرپولیس اثری است زندگینامه‌ای که براساس کمیک استرپ‌های سال‌ن‌دها ساخته شده‌است و تفسیری انتقادی از دوره متفاوت ایران قبل و بعد از انقلاب ارائه می‌دهد. از نخستین نمایش فیلم در فستیوال کن واکنش‌ها به بر سرپولیس آغاز شد. تصویر فیلمساز از ایران بعد از انقلاب و تأثیرات اجتماعی جنگ تحمیلی بیشترین واکنش‌های انتقادی را به همراه داشت. به‌نظر می‌رسید که کارگردان با توجه به قالب فیلم (انیمیشن) راه را بر هر عراق و سیاه‌نمایی باز دانسته است. آنچه در فیلم بر سرپولیس به سخره گرفته شده و فیلمساز کوشیده با در پیش گرفتن ظاهری بی‌طرف، از آن تصویری متقاعدکننده بسازد. اتخاذ لحن تمسخرآمیز در مورد دشپوه زیست و سبک زندگی ایرانیان در دهه ۶۰است. گرانبه‌ها فیلم بر سرپولیس را می‌توان دست انداختن مفاهیمی چون شهادت، دفاع مقدس و حجاب دانست. اغلب فیلم‌های ضدایرانی به لحاظ سینمایی آثار ضعیفی هستند. در این میان بر سرپولیس سر و شکل منسجم‌تری دارد ولی در نهایت این فیلم نیز به واسطه مضمونش مورد توجه برخی محافل هنری جهان قرار گرفت. ایران به روایت ما بر جان ساتراپی در فیلم بر سرپولیس سرزمینی مصمیم‌زده با مردمانی است که غمگین و گرفتار با خشمگین و متعصب هستند. فیلمساز با بازی‌کنمایی می‌کوشد تا روایتی ششخصی‌اش از دهه ۶۰ را به‌عنوان واقعیتی مسلم جایبندارد.

فرهنگ

ویژه‌نامه در برابر اهانت

تصویر مخدوش، دروغ‌پردازی‌های مشهود

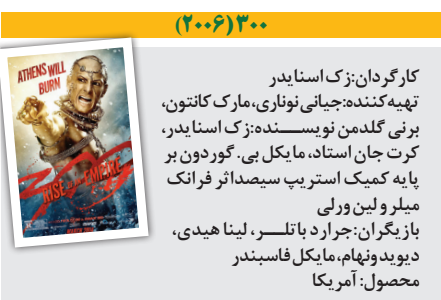
فیلم‌های ضدایرانی چه رویکردی را دنبال می‌کنند و با چه اهدافی ساخته می‌شوند؟

«گزارش اقلیت» محسوب می‌شود. درخصوص تصویر ایران از در چپه هالیوود بایدس به این نکته هم اشاره کرد که با گذر زمان و گسترش وسایل ارتباط جمعی دیگر نمی‌شودفیلمی به‌گل درشتی و اغراق آمیزی «بدون دخترم هرگز» ساخت و دروغ‌های شاذخادری را به ایرانی‌ها نسبت داد.

اگر هم «سبصد»ی ساخته می‌شود آن تصویر توهین‌آمیز و دروغین که خشایارشا نیز در آن سیاهپوست است ادر پس نگاه کمیک استرپی و اغراقی که بخشی تفکیک‌ناپذیر از ماجراست پنهان شده‌است.

اما ماجرای ایرانی‌های مهاجر که درباره ایران فیلم ساخته‌اند با فیلم «فرستاده» در دهه ۸۰ میلادی آغاز و با فیلم‌هایی چون «سرحد» و «مسافران هتل

آستورا» در همین سال‌ها ادامه یافت. فیلم‌هایی که نه موفقیت تجاری داشتند و نه به جشنواره‌ای



نمونه مثال‌زدنی تحریف تاریخ و ارائه تصویری گل درشت و فانتزی با منطقی‌کودکانه که می‌کوشد با صحنه‌های اکشن، ضعف‌هایش در تاریخ‌نگاری را بپوشانند. اغراق کلید واژه فیلم «۳۰۰» است؛ اغراقی که از منبع اقتباس می‌آید که یک کمیک‌استرپ است. این فیلم به موضوع نبرد ترموپل بین سپاه ایران در زمان خشایارشا با سپاه یونان همراه خانواده‌اش به آمریکا می‌رود. او خانواده‌ای را که متعلق به دختری تنه‌است با نصف قیمت خر برداری می‌کند. در این میان پلیسی جوان با تصور اینکه سرهنگ از بی‌پناهی دختر سوءاستفاده کرده به کمک دختر می‌شتابد.بن کینگزلی با همه تلاشی که برای درست فارسی حرف زدن انجام می‌دهد در نهایت یک سرسنگ ایرانی خوب جا نمی‌افتد. تصویر ایرانی‌هایی که حالا مالک خانه یک زن آمریکایی شده‌اند با وجود تلاش برای وانمود کردن بی‌طرفی و پرهیز از قضاوت، خالی از کنا به نیست. با این همه خانه‌ای از شن و مه و مقایسه با دیگر محضواتی که هالیوود در باره ایران و ایرانی‌ها ساخته توهین‌آمیز نیست و بیشتر در آن طعنه و کنا به چشم می‌خورد و تاقترا و توهین. عنوان فیلم هم نشانه‌ای از ناهمسازی ایرانی‌ها برای زیستن در غربت است. فیلم در ۳ رشته نامزد جایزه اسکار شد ولی در نهایت در قواره‌های اثری متوسل باقی ماند. در خانه‌ای از شن و مه کوشیده شده دشواری‌های زیستن در غربت خانواده‌ای ایرانی به وقوع انقلاب اسلامی ربط داده شود. نکته جالب توجه اینکه در این فیلم هالیوودی ساخته فیلمساز می‌باشد. قنایب آنچه بر سرخی کارگردان‌های ایرانی در این سال‌ها در باره ایران و زندگی ایرانیان ساخته‌اند، کمتر شاهدش لحن خصمانه هستیم. ضمن اینکه فیلم پیشسرفت هالیوود در پرداختن به زندگی ایرانیان را از زمان فیلم «بدون دخترم هرگز» هم نمایان می‌کند.

آرگو (۲۰۱۲)

کارگردان: بن افلک
تهیه‌کننده: جورج کلونی، گرانت هسلو و بن افلک
نویسنده فیلمنامه: کریس تربو بازیگران: بن افلکس، بریان گرانتسئون، جان گودمن، آلن آرکین، کابل چندلسر، وبکتور گاربر، تیت ذوان، مایکل پارکر، کلیا دووال، تام لنک، کریستوفر استنتلی،امید ایلچی، تیلر شلینگتن، کیث ساراایکا،بیشی محصول: آمریکا



«آرگو» به‌عنوان فیلمی اسکاری، معروف‌ترین محصول هالیوود با مضمون ضدایرانی است. فیلمی مر تبط با ماجرای تسخیر لانه جاسوسی که ترلیر سیاسی ضعیفی از کار در آمدولی به واسطه مضمونش مورد توجه آکادمی قرار گرفت. اتفاقی که واکنش منفی منتقدان را هم به همراه داشت. مثلا جیسون گوتراکسسیو در ایند بیندندت درباره فیلم نوشت: انتخاب آرگو به‌عنوان درامی دورافتاده‌ای در جنوب غربی ایران است. وی در آنجا بازی به نام زهرا درام حادثه‌پرداز سیاسی آن قدر دچار ضعف بود که برخی فکر می‌کردند در حضور فیلم‌هایی چون «بیتکلن» «استینون اسپیلبرگ»، «زندگی پای» «آنگلی» و «۲۰ دقیقه بعد» «کترین بیگلر» ساخته پیش‌افتاده بن‌افلک بختی برای موفقیت ندارد ولی در نهایت، شوخی، جدی‌شد و اعضای آکادمی، اسکار را به جای سینما به سیاست‌اهدا کردند. فیلمی در دروایت‌فرار ۶ دیپلمات آمریکایی از ایران اشکارا به تحریف واقعیت می‌پردازد. درشت‌نمایی بن افلک سبب شد که جیمی کارتر که در آن مقطع از فیلم ریاست‌جمهوری آمریکا را عهده‌دار بوده نسبت به این تحریف اعتراف کند. او گفته در فیلم به نقش سازمان سیا بیش از حد پرداخته شده، در حالی‌که وظیفه اصلی برای قرار دیپلمات‌ها بر عهده سفارت کانادا بود. محتوای فیلم افلک و بر جسته‌سازی سازمان سیا در نجات دیپلمات‌های آمریکایی باعث شده تا این شائبه ایجاد شود که آرگو به سفارش سازمان سیا ساخته شده. معرفی بهترین فیلم اسکار توسط مشل ایواما هم به این هفتیت دامن زد.

آرگو با توجه به برن اسکار بهترین فیلم در سال ۲۰۱۳ با فروش بالای ۲۵۰ میلیون دلاری‌اش به موفقیت تجاری رسید ولی به لحاظ اعتباری یکی از فیلم‌هایی است که مثل کش شعار سیاسی سطحی خیلی‌زود فراموش شد.

بیانیه دادن

راهکار نیست

سیاست‌های کن، عنکبوت مقدس و چند داستان دیگر

میزگرد بررسی سیاست‌های جشنواره فیلم کن با حضور بهروز افخمی، فیلمساز و امیر قادری و سعید مستغانی، منتقدان سینما در برنامه تلویزیونی سینمادو برگزار شد.افخمی در این میزگرد درباره نقش دولت در برابر این تهدیدها بیان کرد: دولت باید فیلم‌های بزرگ و آبرومند بسازد؛ فیلم‌هایی که تماشاجی را به سینما برمی‌گرداند، به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون سینمایی هشدار می‌دهم که این سال، سال سختی برای جشنواره فیلم فجر است. اینکه فیلم‌ها را سانسور کنیم و جلوی پروانه ساخت و نمایش را بگیرد راه‌حل نیست. سینمای ایران در وضعیتی است که می‌تواند با تقلید از فرمول‌های ثابت تبدیل به افتضاح شود. همانطور که جشنواره فیلم کن به یک افتضاح تبدیل شده و دارد ادای دوره‌های قبلی را درمی‌آورد، بعید نیست که برای ما هم همین اتفاق بیفتد. فرصت زیادی نداریم باید فیلم‌هایی بسازیم که آبرومند باشد و مردم را به سینما برگرداند. ما فیلمسازان را داریم. درباره فیلم علفزار تا آخرین دقایق دغدغه داشتند که به این فیلم اجازه بدهیم که به جشنواره بیاید یا خبر و این مسئله باعث تأسف است. اینکه در برابر فیلمی مثل عنکبوت مقدس بیانیه بدهیم راهکار نیست. افخمی در ادامه نشست گفت: اتفاقی که درباره سعید روستایی افتاد، ممکن است درباره امید شمس و کاظم دانشی هم بیفتد. اگر مسئولان سازمان سینمایی فقط در حال بیانیه دادن باشند اینها هم راه سعید روستایی را خواهند رفت. ما فیلم‌های امسال کن را ندیده‌ایم اما می‌توانیم بگوییم مجموعه فیلم‌های ایرانی امسال کن فیلم‌های مهمی نیستند. وزارت ارشاد باید وظیفه اصلی خودش را انجام دهد و آن وظیفه ساختن فیلم‌های ماندگار برای تماشاگران اصلی سینماست. ساختن فیلم خوب در ایران ممکن است به شرطی که کار را به کارشناس واگذار کنند.

نقش گروه‌های صاحب سرمایه در جشنواره‌ها بیشتر می‌شود

امیر قادری، منتقدو کارشناس سینما در این نشست با بیان اینکه جشنواره‌ها به‌عنوان محلی برای انتخاب بهترین استعدادها و بهترین فیلم‌ها دیگر مشروعیت‌شان را از دست دادند اظهار داشت: جشنواره‌ها به بازار مکاره‌ای برای گروه‌های مختلف تبدیل شده‌اند و نقش گروه‌های صاحب سرمایه و صاحب قدرت دارد در جشنواره‌ها بیشتر می‌شود... حرف من این است چرا ما نتوانیم بازاری شبیه بازار کن بسازیم؟ بازاری که یک خارجی هم نباید حرفش را بزند. مثلا یک جریان فمینیستی غربی باید در جشنواره ما حرفش را بزند؟ چرا ما صاحب این بازی نشویم؟ نباید بگوییم فقط یک نوع سینما داریم. برای این کار باید از چارچوب‌های تنگ ایدئولوژیک بیرون بیاییم. در گذشته مخاطب سینما چشم و گوش بسته بود. الان مخاطب ایرانی بسیار باهوش است. تماشاگر سینما دارد کاملاً به پشت پرده سینما می‌شود. ما نگران بازار مکاره کن نیستیم. قبلاً می‌گفتند ما که از هیأت داوران کن فهمیده‌تر نیستیم، ولی الان مردم خودشان کیفیت فیلم‌ها را می‌فهمند.

جشنواره کن شبیه کنفرانس سران شده‌است

مستغانی در این میزگرد با انتقاد از سیاست‌های کن تأکید کرد: وقتی طرف مقابل دارد موشک می‌سازد ما نمی‌توانیم بگوییم که ما مخالف جنگ هستیم و موشک نمی‌سازیم. امسال به تام کروز نخل طلایی داده شد که به رگمان داده نشد.

جشنواره کن شبیه کنفرانس سران شده است.وی گفت: فیلم تام کروز درباره ماجرای تروریستی علیه کشوری است که خودشان می‌گویند ایران است. در فیلم در خاور میانه به کشوری حمله می‌کنند که منافع آمریکا را به خطر انداخته است.این جایزه نخل طلا نشان می‌دهد که آنها شمشیر را از رو بسته‌اند. ما باید جشنواره فیلم فجر را با همین نگاه ادامه دهیم چون دنیا دنیای سینمای ایدئولوژیک است. من از اسکار ایراد نمی‌گیرم چون آنها کار خودشان را می‌کنند. سینما از همان ابتدا ایدئولوژیک بوده‌است. این منتقد با بیان اینکه سینمای دنیا از سرمایه‌ی یهودیان به‌وجود آمد اظهار داشت: سینمای ایران برخلاف کشورهای دیگر از درون دربار بیرون آمد. سرمایه‌ای که قوی‌تر است تعیین‌کننده است و سرمایه هم دست افراد ایدئولوژیک است.

گرایش‌های ضدایرانی فیلم چیز جدیدی نیست
مستغانی عنکبوت مقدس را یک فیلم ضعیف دانست و افزود: گرایش‌های ضدایرانی و ضداسلامی این فیلم چیز جدیدی نیست. خط ضداسلامی همیشه در فیلم‌های هالیوود بوده است حتی در فیلم کازابلانکا مسلمان فیلم یک شارلاتان است. در جشنواره کن یکسری عملیات ایدایی انجام شد که همه را مشغول کند و فیلم تام کروز فراموش نشود. این منتقد سینما ادامه داد: ما نتشستیم تا آرگو را بسازند و باید بگوییم باید پاسخ بدهیم. ما باید جریان خودمان را داشته‌باشیم یعنی فیلم‌های خودمان را بسازیم تا آنها دنبال پاسخ‌گویی به روند فیلم‌هایی که ما بسازیم دقیقاً در جریان مقابل آنها مثل عنکبوت مقدس قرار می‌گیرد.

وی در ادامه میزگرد با بیان اینکه در سینمای ما تاریخ ایران سانسور شده‌است اظهار داشت: در جشنواره فجر ما هر کاری خواستند کردند و هر فیلمی خواستند ساختند. وظیفه سازمان سینمایی شعار دادن و بیانیه صادر کردن نیست. باید یک الگو و مانیفست وجود داشته باشد. به قول مارتن اسکورسزی سینمای ما یعنی سینمایی که هویت یک ملت را داشته باشد. با ۴ فیلم آپارتمانی و عشق مرعی و مثلی نمی‌توان کاری کرد. مستغانی اظهار داشت: سعید روستایی بیشترین رانت را از نظام گرفته است. به فیلم ضعیف ادای یک روز ۱۱ تا جایزه دادند. چه محدودیتی برای او بوده است؟